

## پرهیزکاران در واقع نمی‌میرند انها مستقیماً به بهشت می‌روند

لطفاً به ضمیمه 17 مراجعه کنید.

### کودکان ناقص، عقب مانده، قحطی زده

این سؤال رایجی است که از سوی ملحدان و همچنین انبوهی از مردمی که به ایمان خود به خدا اعتراف می‌کنند، مطرح می‌شود: "اگر خدا عادل و مهربان است، چرا کودکان بی‌گناه را آزار می‌دهد؟" بدیهی است که این افراد نمی‌دانند که شیطان تنها مسئول چنین بلاهایی است. چنین بلاهایی ناتوانی شیطان به عنوان یک فرمانروای موقت در این جهان را منعکس می‌کنند. شیطان بسیار تلاش می‌کند تا قلمرو پادشاهی خود، این جهان، را بی‌عیب و نقص کند اما او صرفاً نمی‌تواند این کار را انجام دهد. و تمام مساله همین است. ادعای باستانی او مبنی بر اینکه او می‌تواند یک "خدا"ی مستقل باشد به عنوان یک دروغ آشکار شده است. خداوند به اندازه وزن اتمی بی‌عدالتی نمی‌کند (4:40).

برای درک نقش کودکان ناقص، عقب مانده و یا کودکانی که از گرسنگی می‌میرند، باید در تاریخ به عقب برگشته تا به «دعوی بزرگ در جامعه بالا» برسیم (38:69). میلیارد ها سال پیش، خدا و مخلوقاتش وجود داشتند. مرگ هنوز آفریده نشده بود (2:67)، و همه چیز عالی بود. سپس، یک موجود شیفته قدرت های خدادادی خود شد و به این فکر افتاد که می‌تواند به عنوان یک «خدا»ی مستقل، فرمان رویی کند. این باعث ایجاد عقاید مختلف در میان مخلوقات خدا شد. همانطور دانستند که فکر پلید شیطان کفرآمیز است، که که در شکل 1 نشان داده شده است، اکثریت قریب به اتفاق مخلوقات خدا می‌ناشی از تکبر، منیت و جهل او است.

#### فرشتگان

مخلوقاتی که با شیطان مخالف بودند و از ولایت مطلقه خدا حمایت می‌کردند در زمره «فرشتگان» قرار گرفتند. تعداد آنها انقدر زیاد است که فقط خدا از تعدادشان خبر دارد. حتی فرشتگان هم نمی‌دانند که چند نفر از آنها وجود دارد (شکل 1 را ببینید)

#### مهربان ترین

فرشتگان پیشنهاد کردند که شورشیان (شیطان و کسانی که با او موافق بودند) از ملکوت خدا تبعید شوند، یعنی به جهنم افکنده شوند. اما خدای بخشنده به فرشتگان گفت: من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید (2:30). خدا خواست که به همه دانست که برخی از شورشیان احتمالاً تحت شورشیان فرصت داده شود تا در کفر خود تجدید نظر کرده و توبه کنند. خدا می‌تواند جمع قرار گرفته و سزاوار فرصتی دیگر بودند. ما این فرصت دوم را در 33:72 می‌بینیم. بنابراین، کسانی که از توبه و تسلیم در برابر ولایت مطلقه الهی سر باز زدند، بدترین جنایتکاران هستند.

خورشید، ماه، ستارگان، درختان، حیوانات و کودکان

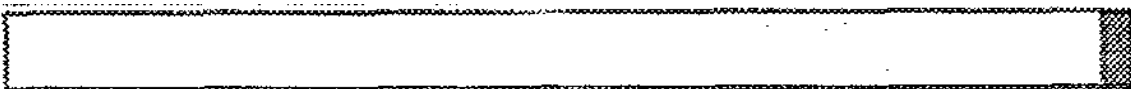
اگر به 55:6 نگاه کنید، خواهید دید که "ستارگان و درختان سجده می کنند.

هنگامی که خداوند متعال به مجرمان فرصتی دوباره داد، اکثریت قریب به اتفاق آنها پذیرفتند که توبه کنند. در ازای موافقتشان با آمدن به این دنیا در یک نقش کاملاً مطیعانه، آنها به ملکوت خدا باز خرید می شوند.

وقتی از من و شما خواسته شد که توبه کنیم، منیت مان را بکشیم و به عنوان اسب، یا سگ یا بچه های ناقص به این دنیا ها دیده از میلیون بیاییم، ما نپذیرفتیم. این یک اشتباه احمقانه از جانب اکثر انسان ها بود (33:72). بنابراین، کودکان رنج تر هستند. آنها نقش آزمایش و/یا تنبیه والدین خود را انجام می دهند، سپس به شانس انسان «از نظر فیزیکی کامل» خوش بهشت می روند.



شکل 1: ناحیه سفید نمایانگر موجوداتی است که با شیطان مخالف بودند (فرشتگان). ناحیه سایه دار نشان دهنده موجوداتی است که با شیطان موافق بودند



شکل 2: ناحیه خاکستری/سفید نشان دهنده موجوداتی است که جنایت خود را محکوم کرده و تسلیم شده اند (حیوانات، کودکان). منطقه سیاه: جنایتکاران سرسخت

## ما با خدا اعلان جنگ کردیم

### اکنون باید توبه کنیم و کفاره گناهانمان را بدهیم

قرآن به ما اطلاع می دهد که «دعوی بزرگ در جامعه بالا» (38:69) یک «حادثه ای عظیم» بود. در واقع این مهم ترین اتفاق در کل دوران وجود ما است و بس. برای درک کامل هدف زندگی خود در این دنیا، میبایست آن دعوی بزرگ را مطالعه کرده و آن را دقیق و منصفانه بررسی کنیم.

### اجازه دهید با آن روبرو شویم

میلیاردها سال پیش، زمانی که شیطان وعده مکانی بهتر از خداوند و قدرت بیشتری را داد، همه انس و جن به جنگ با خدا و فرشتگان او رفتند و شیطان به عنوان فرمانده کل ما بود. بنابراین، یک نبرد فیزیکی وجود داشت. ما در واقع با خدا در طرف شیطان جنگیدیم.

خدای متعال به بهترین نحو بر ما چیره شد و همه ما را به عنوان (اسیر جنگی) گرفت. او می توانست ما را نابود کند، ما را برای همیشه در جهنم بسوزاند – و هر کدام از اینها کاملاً در خور ما بود زیرا که ما نتوانستیم از قدرت مطلق او حمایت کنیم. فرشتگان انتظار داشتند که او دقیقاً این کار را انجام دهد. آنها از اینکه او فرصت دیگری به این خائنان میداد شوکه شده بودند (2:30).

دانست که برخی از ما شورشیان تحت تاثیر جمع قرار گرفته بودیم، اما واقعاً و عمیقاً خدا به ما فرصت دیگری داد زیرا می به او ایمان داشتیم. او خواست کسانی را که در میان ما مستحق فرصت دیگری بودند را نجات دهد.

من این را نوشتم تا جنایت هولناکی را که مرتکب شده ایم یادآوری کنم. اکثر مردم فکر می کنند (اگر فکر کنند) که گناه آنها این بوده که بی سر و صدا باور داشته اند که شیطان می تواند خدا باشد. آنها هیچ به یاد ندارند که با خدا و فرشتگانش در کنار شیطان جنگ فیزیکی کرده باشند.

بنابر این باید بیدار شویم، به اشتباه خود پی ببریم و هر دقیقه از عمر خود را صرف طلب آمرزش، سپاسگزاری و طلب رحمت از خداوند کنیم. ما باید دائماً و فعالانه با جان و پول خود در راه او تلاش کنیم تا رستگار شویم

## محمدیان حکمت خدا در فرستادن رسولی تثبیت کننده را زیر سوال می برند

«پیام» (مجله حلقه اسلامی آمریکای شمالی) دسامبر 89 مقاله ای از عمر افضل با عنوان «آنچه اسلام درباره نبوت می گوید» را منتشر کرده است (صفحه 23). اگرچه آقای افضل نگفته است که محمد "رسول نهایی" است، اما سردبیر مجله نتوانست در برابر گرایش غم انگیز بشر به اعطای رسالت نهایی مقاومت کند (40:34): او زیرنویسی اضافه کرد که بیان می کرد محمد "رسول نهایی" هم بوده است.

حقیقت قرآنی این است که رسول میثاق خدا در آیه 3:81 به وضوح پیشگویی شده است. او از سوی خداوند متعال مأمور شده است که تمام کتب آسمانی از جمله قرآن را پاکسازی کند و همه ادیان را زیر پرچم پرستش خدای یگانه تحکیم و متحد سازد. از 33:7 متوجه می شویم که محمد رسول میثاق خدا نبوده است. خدا شواهد قرآنی و فیزیکی فراوانی ارائه کرده است که نام رسول میثاق خدا را «رشاد خلیفه» عنوان میکنند. هر کس این حقایق قرآنی را رد کند، دیگر یک مسلمان نیست (91-82:3).

بدیهی است که آقای عمر افضل در مورد این موضوع به خوبی تحقیق کرده است. به همین دلیل است که او حقیقت قرآنی که محمد آخرین پیامبر بوده (33:40) را تکرار کرده است. او پیامبر خاتم بود زیرا کتاب مقدس را تحویل داد. همین آیه (33:40). به ما می گوید که محمد رسول نهایی نبود.

### حالا چرا یک رسول دیگر؟

سردبیر «پیام» ایده فرستادن یک رسول بعد از محمد را رد می کند و عمر افضل نویسنده مقاله اشاره می کند که از آنجایی که پیامبر کتاب نهایی یعنی قرآن را تحویل داده است، دیگر نیازی به رسول دیگری نیست! بنابر این او حکمت خدا را زیر سوال می برد.

### حقایق

تصمیم خالق ما به فرستادن رسولی تثبیت کننده پس از آمدن همه پیامبران به این جهان و ابلاغ تمام کتاب های آسمانی بوده است (3:81). هیچکس نمی تواند این حقیقت قرآنی را انکار کرده و همچنان ادعا کند که به قرآن معتقد است.

یک تسلیم واقعی، یک مسلمان واقعی، با این اعتقاد اساسی به موضوع نگاه می کند که خدا رسول میثاق خود را برای پاکسازی و تثبیت همه کتب آسمانی خواهد فرستاد. مسلمان واقعی می پرسد: "پیامبر خدا کی می آید؟ چه قیافه ای دارد؟ نامش چیست؟ چگونه او را بشناسیم؟ چگونه می توانم از او حمایت کنم و در مأموریت مقدس او شرکت کنم؟ آیا خواهم بود؟ آیا به اندازه کافی خوش شانس هستید که یکی از معاصران یا همراهان او باشید؟

### آیا ما به یک رسول نیاز داریم؟

عمر افضل حکمت خدا را زیر سوال برد وقتی که گفت ما بعد از محمد نیازی به رسول دیگری نداریم. او با خود فکر کرده از آنجایی که ما قرآن را، بدون هیچ تحریفی، در دست داریم دیگر نیازی به رسول دیگری نداریم.

اما یک نگاه دقیق یا حتی نه چندان دقیق به مسلمانان نشان می دهد که هر کاری که انجام می دهند اشتباه است. بنابراین، اگر اندامه دهند، در نهایت به جهنم خواهند رفت. آیا ما به رسول نیازی نداریم؟ دین فاسدی را که از اجداد خود به ارث برده بخشیده ترین از رحمت و لطف و حکمت بیکران خود اراده کرده که اکنون رسولی بیاید تا ما را از جهنم نجات دهد. در شماره های اخیر "دیدگاه تسلیم شدگان" به تفصیل اشاره شده است که مسلمانان هر کاری را که انجام می دهند برخلاف قرآن است: وضو، نماز، زکات، روزه و حج آنها اشتباه است.

البته که به یک رسول نیازمندیم!

## اذان شما چند کلمه دارد؟

محمدیان نیز مانند مسیحیان قبل از خود، پیامبر خود را بر خلاف میل او بت می کنند. بنابراین، قرآنی که از دهان محمد رسول به ما رسیده است، ما را از به زبان آوردن هر نامی در کنار نام خدا در عبادات خود منع می کند (72:18). اما محمدیان اصرار دارند که نام بت خود را در کنار نام خدا بگذارند - از شهادت گرفته تا اذان و نماز. این، بنا به تعریف، بت شرک (بت پرستی) است.

علاوه بر این، قرآن از زبان محمد در آیات متعددی به ما اطلاع می دهد که «کامل، بدون نقص و مفصل است» (114، 38، 6:19؛ 7:52؛ 11:1؛ 12:111؛ 41:3). مسلماً محمدیان بت خود را باور نکرده اند و در عوض آنچه شیطان به نام «حدیث و سنت» به آنها داده است را به او نسبت می دهند.

### خوب، حالا یک حدیث "معتبر"

شیطان به دلیل دانش اندک خود، پیروان خود را در موقعیت های دشواری قرار می دهد. مثلاً: در دو کتاب احادیث معتبر محمدیان، ترمیزی و نسایی، حدیثی را می بینیم که در آن پیامبر اعلام می کند که اذان 19 کلمه دارد.

خوب، بیایید تعداد کلمات اذانی که در جهان «اسلام» اجرا می شود را بشماریم:

الله (2) اکبر (1)

اشهادو (3) الا (4) اله (5) الا (6) الله (7)

اشهادو (8) انا (9) محمدان (10) رسول (11) الله (12)

حیا (13) علی (14) الصلاح (15)

حیا (16) علی (17) الفلاح (18)

الله (19) اکبر (20)

لا (21) اله (22) الا (23) الله (24)

بنابراین، محمدیان با افزودن 5 کلمه اضافی به اذان، از بت خود سرپیچی می کنند. تنها دو عبارت در اذان محمدیان وجود دارد که از 5 کلمه تشکیل شده اند: «أشهد أن لا إله إلا الله» و «أشهد أن محمداً رسول الله».

سوال

## هفته نامه دیدگاه تسلیم شدگان

فوریه 1990

اگر مسلمانان واقعاً بخواهند از پیامبر اطاعت کنند و 19 کلمه در اذان خود داشته باشند، باید یکی از این دو عبارت را حذف دهم که معبودی جز خدا نیست) یا «أشهد أن محمداً رسول الله» (گواهی می‌کنند: «أشهد أن لا إله إلا الله» (شهادت می‌دهم که محمد رسول خداست). حالا سوال این است: کدام یک از این دو را باید حذف کرد؟

### کشف بسیار ساده و قدرتمند توسط Minna Sheh Adam ، از نیجریه

این کشف مؤید این است که میبایست نماز اول 2 را رکعت و دوم را 4 رکعت و سوم را 4 رکعت و چهارم را 3 رکعت و پنجم را 4 رکعت بخوانیم. اگر این اعداد را در کنار یکدیگر بنویسیم خواهیم داشت:

$$2\ 1\ 4\ 2\ 4\ 3\ 3\ 4\ 4\ 5 = 19 \times 112759655 \text{ (مضربی از 19)}$$

این تعداد رکعات هر یک از 5 نماز روزانه را مشخص می‌کند. توجه داشته باشید که تعداد رکعات در نمازهای پنج‌گانه عبارتند از:

$$24434 = 19 \times 1286 \text{ (مضربی از 19)}$$

### کشفیات جدید توسط M. Abib & A. Arik

محمود کلمه الله در هر آیه ای که مضرب 19 است را شمرد. مجموع این کلمه در این آیات 133 یا  $19 \times 7$  است. الله اکبر.

عبدالله 17 رکعت نمازهای پنج‌گانه را از 1 تا 17 شماره گذاری کرده و پس از شماره هر رکعت، شماره سوره ای را که باید در هر رکعت بخوانیم (سوره 1) را قرار داده است:

1 1 2 1 3 1 4 1 5 1 6 1 7 1 8 1 9 1 10 1 11 1 12 1 13 1 14 1 15 1 16 1 17 1

این عدد مضرب 19 است و تأیید می‌کند که سوره 1 باید در هر رکعت خوانده شود.

اگر رکعت‌های هر نماز را جداگانه شماره گذاری کرده و بعد از هر رکعت سوره (1) را بنویسید:

1121 11213141 11213141 112131 11213141

این عدد نیز مضرب 19 است. اگر 2 رکعت اول نماز ظهر را بردارید عدد نماز جمعه را می‌گیرید: این عدد هنوز مضرب 19 است. الله اکبر.